

Identifying the DNA of Event Places in Urban Spaces

Case study: Tajrish Neighborhood, Tehran City

ARTICLE INFO

Article Type Original Research

Author

Elham khazaei¹

Maryam Ostadi^{2*}

Fatemeh Mohammadnia Gharaie³

Mohamadreza Pourjafar⁴

How to cite this article

khazaei, Elham, Ostadi, Maryam, Mohammadnia Gharaie, Fatemeh and Pourjafar, Mohamadreza. Identifying the DNA of Event Places in Urban Spaces Case study: Tajrish Neighborhood, Tehran City. Urban Design Discourse. 2026; 7(3): 1-18.

Doi:

doi.org/10.48311/udd.2026.12223682849

¹Ph.D. research student of Urban Planning, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

²Assistant Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

³Assistant Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.

⁴Professor of the Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

* Correspondence

Address: Assistant Professor of Urban Planning Department, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran.
Email: Maryam.Ostadi@iau.ac.ir

Article History

Receive Date: 19 July 2026

Revise Date: 17 September 2026

Accept Date: 22 September 2026

First Publish Date: 22 September 2026

Publish Date: 29 September 2026

ABSTRACT

Contemporary urban spaces have increasingly transformed into networks of transit routes; consequently, opportunities for lingering, social interaction, and the creation of a true “sense of place” within them have diminished. Nevertheless, certain transit-oriented spaces spontaneously evolve into settings for social events. This study aims to identify and prioritize the factors influencing the transformation of “spaces for lingering” into “event spaces” within the urban public realm. The research employs a directed qualitative content analysis approach, utilizing the Analytic Hierarchy Process (AHP) to prioritize the final indicators. Data were gathered from four sources: 24 in-depth interviews with experts and users; field visits to 12 urban spaces hosting spontaneous events in Tehran’s Tajrish neighborhood; documentary and library research; and reports from expert panel discussions. During the analysis, 183 initial indicators were identified; after excluding seven indicators with negligible frequency, 176 remained. Subsequently, through quantitative and qualitative content analysis and the consolidation of overlapping items, 20 core indicators were extracted, from which six were selected for AHP analysis. The results revealed that “spatial flexibility” (weight: 0.238), “proximity to transit and movement paths” (0.204), and the “presence of an attracting element” (0.198) held the highest weights. Based on these findings, the “Spatial DNA of Event Spaces” framework was proposed as an exploratory, context-sensitive model to explain the process of transforming spaces for lingering into event spaces in the Tajrish neighborhood.

Keywords: Space of pause; event venue; Spatial DNA; Qualitative Content Analysis; Hierarchical Analysis; Tajrish Neighborhood.

شناسایی دی.ان.ای فضایی مکان رویداد در فضاهای شهری مطالعه موردی: محله تجریش شهر تهران

اطلاعات مقاله:

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

نویسندگان:

الهام خزائی^۱

مریم استادی^{۲*}

فاطمه محمدنای قرائی^۳

محمدرضا پورجعفر^۴

نحوه استناد به این مقاله:

خزائی، الهام، استادی، مریم، قرائی، فاطمه و پورجعفر محمدرضا. شناسایی دی.ان.ای فضایی مکان رویداد در فضاهای شهری مطالعه موردی: محله تجریش شهر تهران. گفتمان طراحی شهری، ۷ (۳)، ۱-۱۸.

۱. پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۳. استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
۴. استاد تمام گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول:

مریم استادی

نشانی: استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ایمیل: Maryam.Ostadi@iau.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت: ۲۸ تیر ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۲۶ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ اولین انتشار: ۳۱ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ انتشار چاپی: ۰۷ مهر ۱۴۰۵

فضاهای شهری معاصر به‌طور فزاینده‌ای به شبکه‌هایی از مسیرهای عبور تبدیل شده‌اند که در آن‌ها فرصت‌های «درنگ» و مکان‌شدگی تضعیف می‌شود. با این حال، در برخی فضاها، تحولی خودجوش رخ می‌دهد و فضاهای عبوری به بستری برای وقوع رویدادهای اجتماعی تبدیل می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های کلیدی مؤثر بر تبدیل «فضای درنگ» به «مکان رویداد» در فضاهای عمومی شهری انجام شده است. رویکرد پژوهش، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار و مرحله تصمیم‌گیری آن مبتنی بر تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است. داده‌ها از چهار منبع شامل ۲۴ مصاحبه عمیق با خبرگان و کاربران فضاهای شهری تهران، بازدیدهای میدانی از ۱۲ فضای شهری دارای رویدادهای خودجوش در محله تجریش، اسناد و منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های نشست‌های تخصصی گردآوری شد. در فرایند تحلیل، ابتدا ۱۸۳ شاخص اولیه شناسایی شد که پس از حذف ۷ شاخص با فراوانی بسیار پایین، به ۱۷۶ شاخص کاهش یافت. سپس با تحلیل محتوای کمی و کیفی و ادغام موارد همپوشان، ۲۰ شاخص اصلی استخراج شد. از میان این شاخص‌ها، شش شاخص شامل «انعطاف‌پذیری فضا»، «نزدیکی به فضای تردد و حرکت»، «وجود عامل جاذب»، «مقیاس محلی و انسانی»، «کاربران هماهنگ و هم‌نیاز» و «نظارت و مدیریت محدود» برای تحلیل AHP انتخاب شدند. نتایج نشان داد که این شش شاخص به‌ترتیب دارای وزن‌های ۰/۲۳۸، ۰/۲۰۴، ۰/۱۹۸، ۰/۱۶۲، ۰/۱۱۲ و ۰/۰۸۶ هستند. در چارچوب مفهومی پژوهش، سه شاخص نخست به دلیل وزن نسبی بالاتر و همخوانی با یافته‌های کیفی، به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادین یا هسته‌ای و سه شاخص بعدی به‌عنوان مؤلفه‌های پشتیبان تفسیر شدند. همچنین، در نمونه مورد مطالعه، لبه‌های فضای تردد، از جمله پله‌ها، سکوها و حاشیه‌های پیاده‌رو، از مهم‌ترین نقاط شکل‌گیری درنگ و رویدادهای خودجوش بودند. بر این اساس، چارچوب «دی.ان.ای فضایی مکان رویداد» به‌عنوان یک چارچوب اکتشافی و زمینه‌مند برای تبیین روابط میان شاخص‌های مؤثر بر تبدیل فضای درنگ به مکان رویداد در محله تجریش ارائه شد. تعمیم این چارچوب به سایر زمینه‌های جغرافیایی و فرهنگی نیازمند آزمون آن در مطالعات تطبیقی است.

واژه‌های کلیدی: فضای درنگ، مکان رویداد، دی.ان.ای فضایی، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل سلسله‌مراتبی، محله تجریش.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده الهام خزائی با عنوان «شهر و نوآوری (تحلیلی بر فضاهای درنگ به مثابه مکان رویداد نوآورانه نمونه موردی منطقه یک شهرداری تهران)» به راهنمایی مریم استادی و فاطمه محمدنای قرائی و مشاوره محمدرضا پورجعفر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد می‌باشد.

حق چاپ © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس. این مقاله با دسترسی آزاد تحت شرایط مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 منتشر شده است که به اشتراک‌گذاری (کپی و توزیع مجدد مطالب در هر رسانه‌ای قالبی) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را اجازه می‌دهد.

۱. مقدمه و بیان مسئله

فضای کالبدی و مؤلفه‌های هندسی آن است. پاکزاد (۱۳۸۴) فضای شهری را محل برقراری تعاملات اجتماعی می‌داند که باز و عمومی باشد. به تعبیر مدنی‌پور (۱۳۸۴)، فضای شهری فرایندی اجتماعی-مکانی است که تمام ساختمان‌ها، اشیاء و فضاهای محیطی و شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، فضای عمومی شهری را می‌توان به دو دسته‌ی کلی فضاهای پویا و ایستا تقسیم کرد [۲]. فضای پویا در برگیرنده فضاهای کریدورگونه و حرکتی است، در حالی که فضای ایستا در شهر محل توقف و درنگ محسوب شده و در مراتبی از میدان‌های بزرگ تجمع شهری تا میدانچه‌ها تبلور می‌یابد. زوکر (۱۹۶۲) نیز گونه‌هایی از فضاهای ایستای شهری را به فضاهای محصور، بسته، کامل، جهت‌گیری‌شده به سوی عنصری شاخص، یا سازمان‌یافته حول نقطه‌ای مرکزی دسته‌بندی می‌کند [۳]. به باور کریر (۱۳۸۳)، فضای شهری ایستا آن است که روح درنگ و تأمل و توقف در آن مشهود و غالب باشد.

- فضای درنگ

درنگ عملی است، که هرچند کوچک که تعادل یا نظم فضاها را بر هم می‌زند و باعث ایجاد لحظه‌ای از عملکرد می‌شود که در آن فرد برای مدت زمان نامشخصی آزاد می‌گردد. توسلی (۱۳۷۱) در کتاب طراحی فضای شهری، فضای درنگ را فضایی برای حضور، تفکر و فعالیت افراد می‌داند. از دیدگاه یان گل (۱۳۹۱)، مفهوم «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» شامل همه‌ی فعالیت‌هایی است که مردم هنگام استفاده از فضای مشترک شهر بدان می‌پردازند: راه رفتن هدفمند از مکانی به مکانی دیگر، قدم زدن، توقف‌های کوتاه، درنگ‌های طولانی، تماشای ویتروین‌ها، ملاقات و مکالمات، ورزش، رقص، سرگرمی، دستفروشان، بازی کودکان، و سرگرمی‌های. به باور گل، شهر به عنوان یک محل ملاقات از اهمیتی ویژه برخوردار است و هنگامی که موقعیت زندگی پیاده در شهر ارتقاء می‌یابد، فعالیت‌های فراغتی و اجتماعی به طرز قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. فضای ایستا در شهر محل توقف و درنگ محسوب شده و در میدان‌های بزرگ تجمع شهری تا میدانچه‌ها تبلور می‌یابد. چنین فضاهای ایستایی غالباً در جهت رفتارهای متقابل و تعاملات اجتماعی معنا می‌یابند.

در ادبیات معاصر طراحی شهری، فضای درنگ به عنوان یکی از عناصر کلیدی کیفیت محیطی شناخته می‌شود. کرمونا (۲۰۱۹) تأکید می‌کند که فضاهای عمومی زمانی واجد کیفیت می‌شوند که امکان توقف، تعامل و تجربه‌پذیری را برای کاربران فراهم کنند. در این نگاه، درنگ نه تنها یک رفتار فردی، بلکه بخشی از سازوکار اجتماعی تولید فضا است و نقش مهمی در شکل‌گیری حیات جمعی دارد.

- مکان رویداد

ریچاردز و پالمر (۲۰۱۲) رویدادها را توصیف‌کننده‌ی جشن‌ها،

شهرهای امروزی، بیش از آنکه مکان ماندن باشند، به فضاهایی برای حرکت تبدیل شده‌اند. اتومبیل‌محوری، اولویت جریان ترافیک، و طراحی‌های کارکردگرا، شهر را به شبکه‌ای از مسیرهای عبور بدل کرده‌اند که شهروندان در آن‌ها نه «ساکن»، که «در حرکت» هستند [۱۹، ۸]. در این میان، آنچه قربانی شده، ظرفیت بنیادین شهر برای «درنگ» است؛ آن لحظه‌ی توقف اختیاری که به انسان مجال می‌دهد تا نه فقط از فضا عبور کند، بلکه در آن بماند، با دیگران مواجه شود، و خود را بخشی از حیات جمعی شهر احساس کند [۱۱، ۱۳، ۵]. «فضای درنگ» را باید از «فضای انتظار» تفکیک کرد. انتظار، اجباری و کارکردی است؛ در چراغ قرمز، در صف بانک، در ایستگاه اتوبوس. اما درنگ، انتخابی و لذت‌بخش است؛ نشستن بر لبه‌ی پله‌های میدان، تماشای غروب بر روی سکوی مترو، یا ایستادن کوتاه در برابر ویتروینی که ناگهان نظر را جلب کرده است. [۲۰، ۲۱] این تفاوت هستی‌شناختی، پیامدهای فضایی آشکاری دارد: فضاهای انتظار، تحت نظم و قاعده‌اند و رفتار کاربر در آنها از پیش تعیین شده است؛ اما فضاهای درنگ، نامتعین، منعطف، و پذیرای بداعت و خلاقیت‌اند. [۱۲] با این حال، دانش طراحی شهری در شناخت «چگونگی تبدیل یک فضای عبوری به یک فضای درنگ»، و سپس «تبدیل یک فضای درنگ به مکان رویداد» با خلأی نظری و عملیاتی جدی مواجه است. پرسش این نیست که «آیا مردم در فضاهای عمومی درنگ می‌کنند؟»؛ پاسخ را وایت (۱۹۸۰) و گل (۲۰۱۱) داده‌اند. پرسش این است که «کدام ویژگی‌های فضایی، یک مکان معمولی عبوری را به بستری برای درنگ مولد و سپس به عرصه‌ای برای رویدادهای خودجوش و نوآورانه تبدیل می‌کند؟». به بیان دیگر، اگر «درنگ» را نقطه‌ی شروع مکان‌شدگی بدانیم، فرایند تحول از «فضای عبور» به «مکان رویداد» چگونه روایت می‌شود و طراحی شهری چه نقشی در این گذار می‌تواند ایفا کند؟

پژوهش حاضر با اتکا به داده‌های تجربی غنی برگرفته از مطالعه‌ی رویدادهای خودجوش در فضاهای عمومی محله تجریش تهران، و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی و تکنیک دوفازی، به این پرسش پاسخ می‌دهد. هدف، استخراج و اولویت‌بندی مهم‌ترین شاخص‌های فضایی، اجتماعی و مدیریتی مؤثر بر تبدیل «فضای درنگ» به «مکان رویداد»، و ارائه‌ی یک چارچوب عملیاتی برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری است.

۲. مبانی نظری

- فضای شهری و فضای عمومی

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از

1. Pause Space
2. Waiting Space

به‌طور مشخص بر ابعاد کالبدی-فضایی رویدادها تمرکز داشتند، انتخاب و مجدداً با تمرکز ویژه بر شاخص‌های فضایی درنگ و رویداد و بر مبنای جدول PESTEL-SWOT طبقه‌بندی شدند. مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان شهری (اساتید دانشگاه، مشاوران، مدیران شهری) و کاربران فضاهای عمومی (ساکنان، کسبه، گردشگران) بودند.

منبع دوم، بازدهی‌های میدانی: یادداشت‌های میدانی مرتبط با ۱۲ فضای شهری دارای رویدادهای خودجوش در محله تجریش (میدان تجریش، بازار تاریخی تجریش، خیابان شهرداری، باغ فردوس، بوستان نیاوران، دربند، و سایر فضاهای شاخص) به‌عنوان منبع تکمیلی مورد استفاده قرار گرفت. بازدهی‌ها بر اساس محور موضوعات PESTEL و بررسی هر بخش SWOT انجام شد.

منبع سوم، نشست تخصصی (ایمنی بازار تاریخی تجریش) با حضور اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، مدیر اجرایی پروژه، آتش‌نشانی منطقه، مدیریت بحران شهر تهران، مدیران شهرداری منطقه ۱ و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و نیز گزارش‌های سایت مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به عنوان مبنای کار قرار گرفت و داده‌های ثبت شده بر اساس جدول ذکر شده جای‌گذاری شدند.

داده‌های ثانویه: منبع چهارم، داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای، شامل متون نظری، اسناد و کتب، پروژه‌های اتمام یافته (محله تجریش) مرتبط با فضای شهری، فضای عمومی و رویدادهای شهری می‌باشند.

در مدل تلفیقی PESTEL-SWOT (نمودار ۳)، سه سطح تحلیلی شامل «زیست»، «تجربی» و «ادراکی» در قالب یک مثلث مرکزی قرار گرفته‌اند. سطح زیست به ویژگی‌های کالبدی و محیطی فضا اشاره دارد؛ سطح تجربی به داده‌های رفتاری و مشاهده‌ای کاربران؛ و سطح ادراکی به معنا، حس مکان، خوانایی و برداشت ذهنی کاربران از فضا. این سه سطح، بنیان تحلیل چندلایه مکان رویداد را تشکیل می‌دهند.

۴. فرایند تحلیل داده‌ها

فرایند تحلیل در پنج گام انجام شد. در گام نخست، ادبیات نظری مرتبط با فضای شهری، فضای عمومی، فضای درنگ و مکان رویداد بررسی و داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شد. در گام دوم، داده‌های تجربی شامل مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، نشست تخصصی و بازدهی‌های میدانی جمع‌آوری و در چارچوب تلفیقی PESTEL-SWOT سازمان‌دهی شدند. در گام سوم، اطلاعات حاصل از منابع مختلف کدگذاری و شاخص‌های اولیه استخراج شدند. در این مرحله، در مجموع ۱۸۳ شاخص اولیه شناسایی شد. پس از بازبینی اولیه، ۷ شاخص به دلیل فراوانی بسیار پایین یا تقریباً صفر حذف شد و تعداد

نمایش‌ها و مراسم ویژه‌ای می‌دانند که به شکل آگاهانه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شده تا موقعیت‌های ویژه را شاخص نمایند. «مکان رویداد» یکی از اجزای اصلی رویداد است و جزو موارد اصولی و ساختاری آن به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که با نبود آن، رویداد شکل نخواهد گرفت. رویداد دارای سه تقسیم‌بندی زمانی، مکانی و موضوعی است. عنصر مکان رویداد، عامل ایجاد، برپایی، تداوم و ماندگاری رویداد در دل فضای شهری و شرکت تمامی گروه‌های اجتماعی است. این فعالیت همگانی در مکانی مشخص و زمانی خاص با محوریت تعیین‌شده، موجب ایجاد همبستگی ملی و نظم و هماهنگی در دل جامعه و فضای شهری می‌شود. گنز (۲۰۱۲) در مطالعات رویداد تأکید می‌کند که مکان رویداد تنها یک ظرف فیزیکی نیست، بلکه بخشی از سازوکار تولید معنا و تجربه جمعی است. از دید او، مکان رویداد زمانی شکل می‌گیرد که فضا بتواند ظرفیت جذب، سازمان‌دهی و تداوم فعالیت‌های جمعی را داشته باشد. این نگاه، نقش طراحی آگاهانه و ویژگی‌های فضایی را در تبدیل یک فضای معمولی به مکان رویداد برجسته می‌سازد. آنچه در ادبیات موجود غایب است، مدل فرایندی تبدیل یک فضای عبوری به مکان رویداد است. چگونه یک «لبه» به «محل درنگ»، محل درنگ به «قرارگاه رفتاری» (بارکر، ۱۹۶۸)، و قرارگاه رفتاری به «مکان رویداد نوآورانه» تبدیل می‌شود؟ پژوهش‌های موجود، هر یک از این ایستگاه‌ها را به‌طور مجزا مطالعه کرده‌اند، اما توالی علی میان آنها و به‌ویژه نقش «طراحی آگاهانه» در تسریع یا تسهیل این گذار، مبهم باقی مانده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی شاخص‌های عینی و قابل سنجش در هر مرحله از این گذار و با استفاده از داده‌های تجربی غنی از محله تجریش، به دنبال پر کردن همین شکاف است.

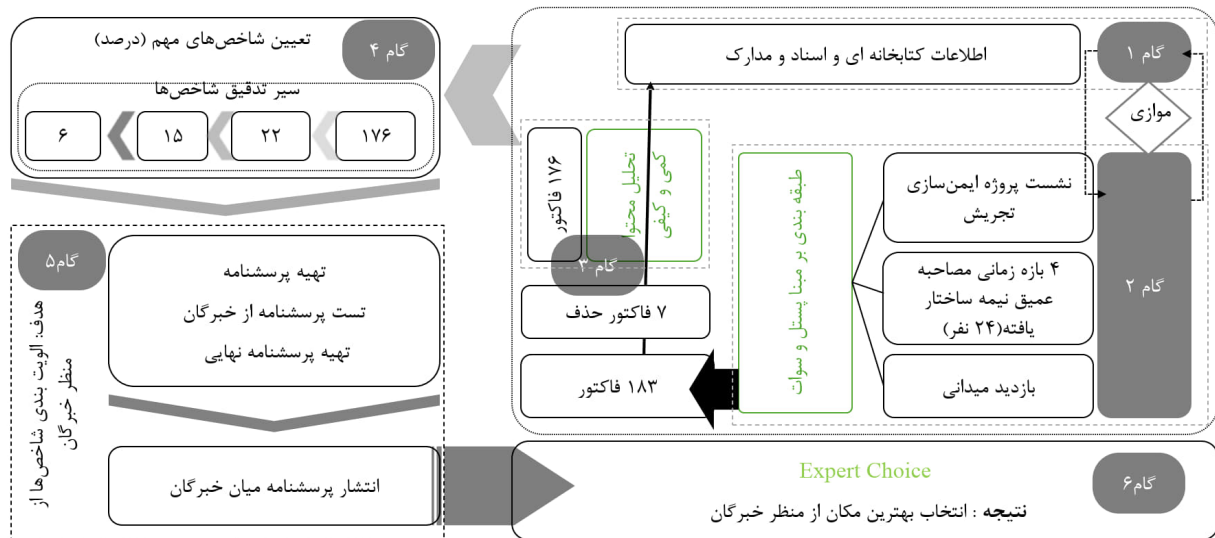
۳. روش‌شناسی

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی است. راهبرد اصلی پژوهش، «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار» است [۱۵]. که برای اولویت‌بندی شاخص‌ها از Expert Choice استفاده شده است. در این راهبرد، مقوله‌های اولیه از چارچوب نظری استخراج می‌شوند.

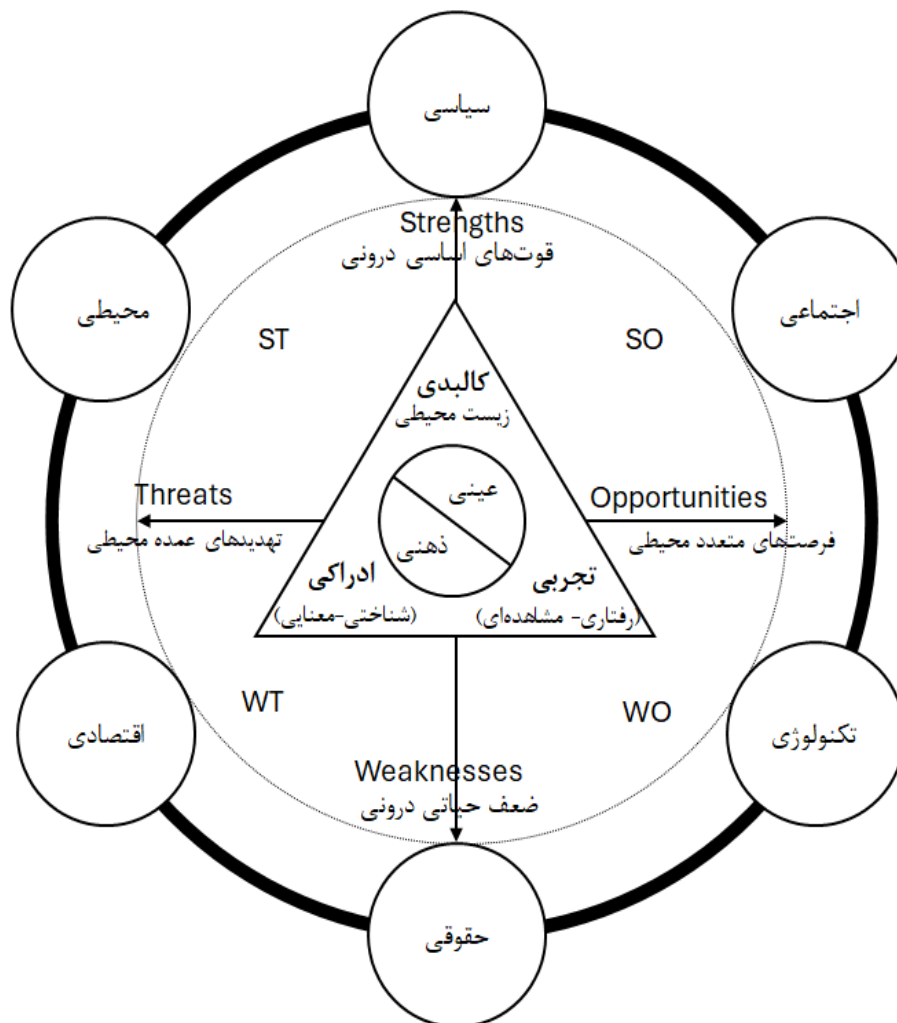
-جامعه و نمونه پژوهش: جامعه‌ی مورد مطالعه، کلیه‌ی کاربران و متخصصان مرتبط با فضاهای عمومی شهری در محله تجریش تهران هستند.

-روش گردآوری داده‌ها: اطلاعات مد نظر در این پژوهش در دو گروه و به صورت موازی جمع‌آوری شدند. داده‌های اولیه از سه منبع اصلی گردآوری شدند:

منبع اول، در ۴ بازه زمانی متفاوت مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته، از میان ۲۴ نفر انجام شد، ۱۶ مصاحبه که



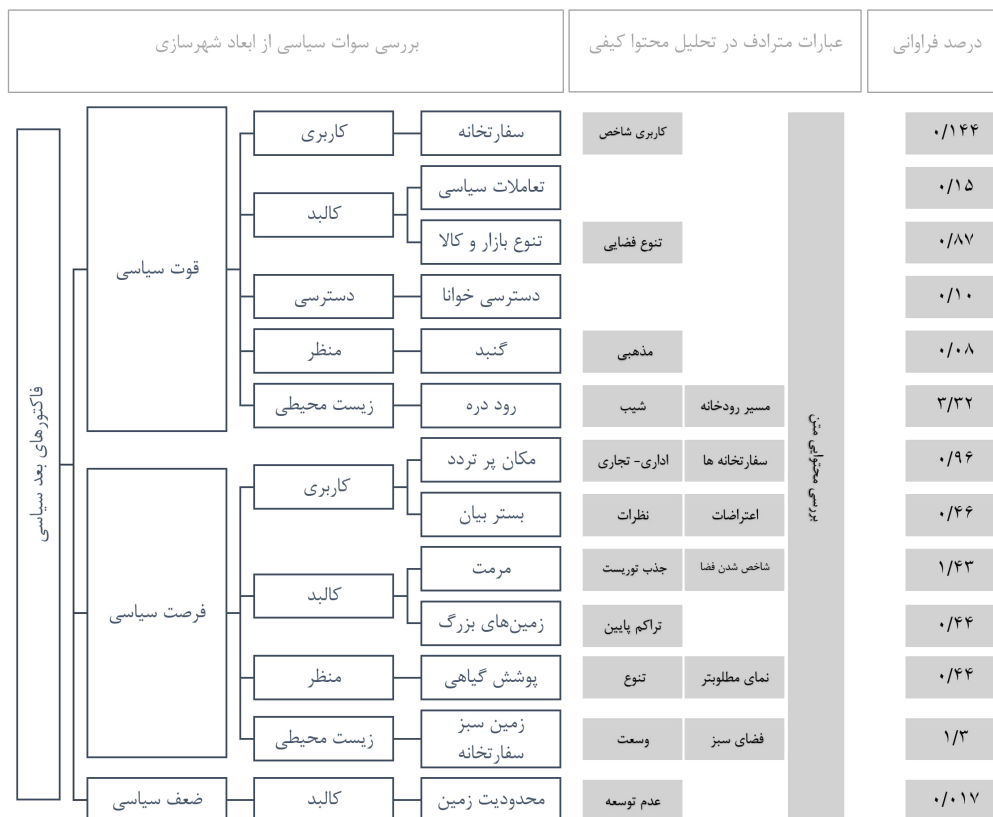
نمودار ۱. روش پژوهش



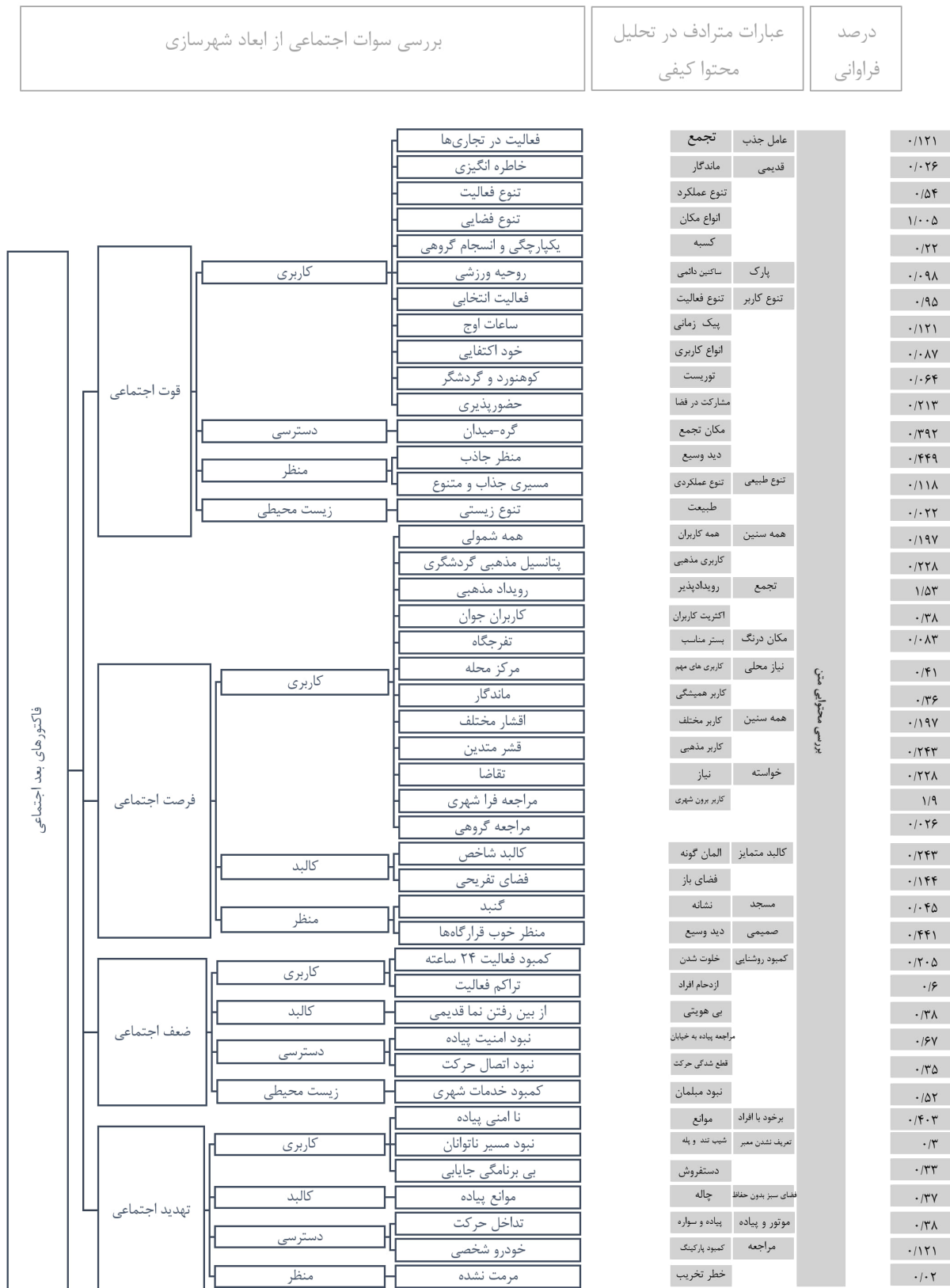
نمودار ۲. طبقه بندی PESTEL-SWOT

عبارات مترادف در تحلیل محتوای کیفی		درصد فراوانی
بررسی سوات اقتصادی از ابعاد شهرسازی		
قوت اقتصادی	کاربری	عملکرد فرا شهری
		ابنیه شاخص مذهبی
		کاربری مکمل
		غلبه تجاری
کالبد		نظم کالبد
		ابنیه فرهنگی
		پیوستگی
		قطب گردشگری
دسترسی		سرمایه گذاری
		حمل و نقل عمومی
زیست محیطی		رود دره- آب
		اقلیم
فرصت اقتصادی	کاربری	فرصت اقتصادی
		نقش بازار
	کالبد	مرمت
		خاطرات مردمی
منظر		دید
	زیست محیطی	اقلیم مناسب
ضعف اقتصادی	کاربری	اجاره
		بسته شدن تجاری
		کاربری اداری
		نبود برنامه
		عرضه و تقاضا
	کالبد	بنا قدیمی
		تناسب ناموزون
		کمبود مکان
		ساختمان‌های بلند مرتبه
	دسترسی	وسایل مستهلک
منظر		ابنیه مرتفع
	زیست محیطی	نبود آسایش اقلیمی
تهدید اقتصادی	کاربری	حضور گردشگران
		نبود ایمنی
		نبود امنیت شبانه
		شغل کاذب
کالبد		فضای رها شده
		محدودیت گسترش
دسترسی		دسترسی نا ایمن به ایستگاه
پاسخگو گردشگر	برون شهری	۱/۹
مسجد- تکیه	مذهبی	۰/۴
تنوع کاربری		۰/۲۷
پهنه تجاری	تجاری	۰/۲۵
هماهنگی	رینم	۰/۲
فرهنگی		۰/۴
تداوم	پیوسته	۰/۴۹
عامل جذب	جذب گردشگر	۰/۴۸
سرمایه	جذب سرمایه	۰/۰۷
تاکسی	اتوبوس	۰/۷
مسیر آب	رودخانه	۳/۳۲
تنوع طبیعی		۰/۱۵
مجتمع تجاری	تجاری	۰/۴۴
پذیرش		۰/۵۱
تاریخی		۰/۱۳۳
یاد	خاطره انگیزی	۰/۵۵
گردشگر بصری	وسعت دید	۰/۴۶
طبیعت		۰/۲۴
هزینه زندگی		۰/۳۸
عامل دفع	عدم پشتیبانی	۰/۲۸
کاربر	اداره	۰/۳۸
بی برنامه‌گی		۰/۰۶
عدم تعادل		۰/۲۵
بدون مرمت		۰/۱۵
تفاوت ارتفاع		۰/۰۱۹
نبود بستر	بی مکانی	۱/۷
ارتفاع زیاد	بنا بلند	۰/۳۷
اتوبوس	عدم پشتیبانی	۰/۸۱
خط آسمان	کد ارتفاعی	۰/۴۳
آسایش اقلیمی		۰/۱۷
کاربر جدید		۰/۸۶
ایمنی مسیر		۰/۳۵
کاربری ۲۴ ساعته		۰/۳۱
بی‌کاری		۰/۰۰۷
خاکی	مغروب	۱/۴
پلان ثابت		۰/۱۱
خطر پیاده		۰/۵۵

نمودار ۳. تحلیل محتوای کمی و کیفی در جداول TOWS-LETSEP



ادامه نمودار ۳



بررسی سوات زیست محیطی از ابعاد شهرسازی				عبارات مترادف در تحلیل محتوا کیفی		درصد فراوانی
فاکتورهای بعد زیست محیطی	قوت محیطی	کاربری	سرزندگی مذهبی	محیط روحانی		۰/۱۷
			فضای جمعی	فرارگاه رفتاری	مکان درنگ	۲/۳۸
		کالبد	بنای شاخص	المان	متمایز	۰/۰۷۹
			خوانایی	دید قوی	شاخص	۰/۴۸
	فرصت محیطی	منظر	فضای سبز	خدمات		۱/۳۰
			خاطره انگیزی	همه شمولی	کاربر ثابت	۰/۲۳
		زیست محیطی	هوای مطبوع	کد ارتفاعی بالا		۰/۱۲۲
			هوای پاک	قرارگاه		۰/۰۴۹
	ضعف محیطی	کاربری	فضای مکت	فضای سبز		۱/۵
			لبه سبز			۱/۴
		کالبد	درختان	آسایش اقلیمی		۰/۰۱۹
			سایه اندازی	فضای مردم پسند		۰/۰۶
	تهدید محیطی	کاربری	فضاهای جاذب	عملکرد فرا شهری	مذهبی شاخص	۲/۹
			محور مذهبی	روینداد مذهبی	تکیه	۱/۳۴
		دسترسی	رویدادهای موقت	بستر مناسب		۲/۱۷
			فضاهای انعطاف پذیر	بازار سنتز، تجریش	حرکت در بافت	۱/۵
	تهدید محیطی	کالبد	مکانی یکپارچه	گنبد مسجد		۰/۷
			دید مطلوب			۰/۵
		منظر	زهکشی آبهای سطحی	تنوع محیطی		۱/۶
			تفرجگاهها	مسیر آب	کوه	۰/۰۹
	تهدید محیطی	زیست محیطی	عوامل طبیعی	درختان میوه و سایه انداز	ایوان پوشش گیاهی	۱/۸۵
			تنوع طبیعت	هوای سرد		۰/۲۲
		زیست محیطی	رود دره			۳/۲۲
			تفکیک زیاله			۰/۰۱۱
	تهدید محیطی	کاربری	هوای کوهستانی	نبود سطل زیاله	نبود نیمکت	۰/۰۳
			تغییر فصول	عدم وجود موانع	عدم حرکت آزادانه	۰/۱۷
		کالبد	وسعت دید در میدان	رنگ و مصالح	خط آسمان	۰/۷۸
			کمبود مبلمان شهری	عدم دسترسی	جایگزینی اسفاده از خیابان	۰/۲۸
	تهدید محیطی	دسترسی	بی توجهی به معلولین	دستفروش ها	گودال - درخت	۰/۷۸
			ناهماهنگی نماها	مسیر رودخانه		۰/۵۵
		منظر	معبر کم عرض	نبود نیمکت		۰/۲۵
			حجم بالا ترافیک	روبروی مسجد		۰/۱۳
	تهدید محیطی	زیست محیطی	نبود راه پشتیبان	عدم نفوذپذیری	کالبد مرمت نشده	۰/۲۴
			بی توجهی به پیاده رو	عدم نفوذپذیری	کالبد مرمت نشده	۰/۱۴
		کالبد	عدم همه شمولی	پایاده و سواره		۰/۵
			موانع در جنب مسیر نابینایان	امنیت حرکت شبانه	امنیت حرکت پیاده	۱/۰۲
	تهدید محیطی	دسترسی	کف سازی فرسوده	دسترسی با مشکل	بلوکهای کوچک	۰/۶۶
			آلودگی صوتی	ناهماهنگی		۰/۱۴
		منظر	بوی نامطبوع	عدم رعایت ریت درخت		۰/۰۵
			کمبود جایگاه نشستن	عدم حفاظت		۰/۰۱۵
	تهدید محیطی	کاربری و فعالیت	زمین رها شده			۰/۱۵
			بافت فرسوده			۰/۰۵
		کالبد	کالبد مستعد سوانح			۰/۳۶
			تداخل حرکت			۰/۳۴
	تهدید محیطی	دسترسی	کمبود امنیت			۰/۵۳
			کمبود پارکینگ عمومی			۰/۱۱
		منظر	دسترسی نامطلوب			
			ریزدانگی بافت			
	تهدید محیطی	زیست محیطی	جانمایی اشتباه مبلمان			
			اینیه بلند مرتبه			
		کالبد	خط آسمان نامتوازن			
			مصالح نما متنوع			
	تهدید محیطی	دسترسی	آلودگی زیست محیطی			
			نبود نظم در مسیر پیاده			
		منظر	نبود جدول			

بررسی سوات فناوری از ابعاد شهرسازی			عبارات مترادف در تحلیل محتوا کیفی		درصد فراوانی
فاکتورهای بعد فناوری	قوت فناوری	کالبد	مکان سیاسی اداری		۰/۹
		دسترسی	چندین ایستگاه حمل و نقل	اتوبوس	۰/۶۲
			سهولت دسترسی	تاکسی	۰/۶۸
		زیست محیطی	جداسازی سبز	مرز سبز	۰/۱۷
			آسایش اقلیمی	سایه اندازی	۰/۰۵
			جایگاه تجمع	مکان درنگ	۴/۱
	فرصت فناوری	دسترسی	افزایش سفر	تایم کم	۰/۵۹
			حمل و نقل عمومی	قدرت دسترسی	۰/۷
	ضعف فناوری	کابری	نبود کاربری ۲۴ ساعته	نا امنی	۰/۱۹
		دسترسی	پاسخگو نبودن حمل و نقل عمومی	عدم رعایت ظرفیت	۰/۶۷
		منظر	کمبود نورپردازی	شب	۰/۳۳
		زیست محیطی	آلودگی هوا	لجن رودخانه	۰/۱۱
	تهدید فناوری	کاربری	کمبود عرض پیاده	حجم پیاده به خیابان	۰/۸۸
			موانع پیاده	دستفروش‌ها	۰/۲۴
		کالبد	تغییر هویت بافت	عدم مرمت	۰/۳
		دسترسی	ترافیک سنگین	عدم نفوذ پذیری	۰/۰۴
		منظر	فضاهای ناامن	بستن تجاری‌ها	۲/۹۹
		بررسی محتوای کیفی			

ادامه نمودار ۳

۲۰ نفر از متخصصان شهری شامل صاحب‌نظران دانشگاهی، مدیران و کارشناسان شهرداری و متخصصان معماری و شهرسازی توزیع شد. در نهایت، داده‌های حاصل از مقایسه‌های زوجی در نرم‌افزار Expert Choice وارد و وزن نسبی شش شاخص نهایی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) محاسبه شد.

۵. تحلیل

لازم به ذکر است، گام یک و دو به صورت موازی و همراستا انجام شد و با جمع‌آوری منابع گروه اول (مطالعاتی و اسنادی) و گروه دوم (نشست و مصاحبه و بازدید میدانی) انجام پذیرفت. داده‌های گروه دوم در جدولی برگرفته از پستل، سوات و ابعاد شهرسازی تهیه گردید تا به تمامی ابعاد و وجوه سایت اشاره شود. این جدول در انتها شامل ۱۸۳ شاخص شد که به ۱۷۶ شاخص منتج گردید. شاخص‌های مد نظر را با روش تحلیل محتوا کیفی و کمی در داده‌ها و منابع اسنادی و کتابخانه ای جستجو شد، درصد اهمیت و فراوانی هر شاخص مطابق با طبقه‌بندی PESTEL-SWOT (نمودار ۴) ذکر گردید.

۱۷۶ شاخص به سه گروه تقسیم شد. ۳ بخش شامل

شاخص‌ها به ۱۷۶ شاخص کاهش یافت.

در گام چهارم، ۱۷۶ شاخص با استفاده از تحلیل محتوای کمی و کیفی بررسی شدند و فراوانی و درصد فراوانی هر شاخص محاسبه شد. شاخص‌ها بر اساس درصد فراوانی در سه سطح «بیش از ۱ درصد»، «۵/۰ تا ۱ درصد» و «کمتر از ۵/۰ درصد» طبقه‌بندی شدند. سپس شاخص‌های دارای فراوانی بیش از ۱ درصد به‌عنوان شاخص‌های برتر شناسایی و پس از بررسی همپوشانی مفهومی و ادغام موارد مشابه، ۲۰ شاخص اصلی استخراج شد.

در ادامه، ۲۰ شاخص اصلی بر اساس ماهیت و محتوای آنها در دو قلمرو کلان «عوامل درونی (ذاتی مکان)» و «عوامل بیرونی (نهادی-اجتماعی)» و در قالب هشت گروه اصلی دسته‌بندی شدند. برای بررسی میزان توافق متخصصان درباره شاخص‌های استخراج‌شده، نظر سه خبره علمی-تخصصی دریافت شد. سپس بر مبنای مجموعه شاخص‌های نهایی، شش شاخص اصلی برای ورود به مرحله تصمیم‌گیری چندمعیاره انتخاب شدند.

در گام پنجم، پرسشنامه مقایسه زوجی بر اساس شش شاخص نهایی تدوین و ابتدا به‌صورت آزمایشی در اختیار سه خبره شهری قرار گرفت. پس از رفع ابهامات و اصلاحات لازم، پرسشنامه میان

جدول ۱. طبقه بندی شاخص‌های تحلیل محتوای کمی و کیفی

PESTEL-SWOT-UPA	شاخص‌های کمتر از ۰/۵	شاخص‌های بین ۰/۵ تا ۱	شاخص‌های بالاتر از ۱
اقتصادی	قوت: اینیه شاخص مذهبی- کاربری مکمل- غلبه تجاری- نظم کالبدی- اینیه فرهنگی- پیوستگی- قطب گردشگری- سرمایه گذاری- اقلیم فرصت: فرصت اقتصادی- مرمت- دید- اقلیم مناسب ضعف: اجاره بها زیاد- بسته شدن تجاری ها - کاربری اداری- نبود برنامه - عرضه و تقاضا- بنا قدیمی - تناسب ناموزون - ساختمان ها یبلند مرتبه- اینیه مرتفع - نبود آسایش اقلیمی تهدید: نبود ایمنی- نبود امنیت شبانه- شغل کاذب- محدودیت گسترش	قوت دسترسی:وجود حمل و نقل عمومی فرصت کاربری: پذیرش و نقش بازار فرصت کالبدی: خاطرات جمعی ضعف دسترسی: وسایل مستهلک تهدید کاربری: حجم زیاد کاربران جدید تهدید دسترسی: دسترسی نا ایمن به ایستگاه حمل و نقل شهری	۱-قوت کاربری: عملکرد فرا شهری ۲-قوت زیست محیطی: رود دره ۳-ضعف کالبدی: نبود بستر ۴-تهدید کالبدی: فضای رها شده
فرهنگی	قوت: وجود سفارتخانه‌ها - تعاملات سیاسی- دسترسی خوانا - گنبد مسجد تجریش- فرصت: بستر بیان نظرات- زمین‌های وسیع- پوشش گیاهی ضعف: محدودیت زمین توسعه	قوت کالبد: تنوع فضایی فرصت کاربری: مکان پر تردد	۱-قوت زیست محیطی: رود دره ۲-فرصت کالبد: مکان‌های مرمت شده ۳-فرصت زیست محیطی: زمین‌های سبز وسیع
سیاسی	قوت: دکه پلیس- مالکیت خصوصی ضعف: محدودیت مالکیت- تخطی از قوانین- کمبود پشتیبانی قانونی پیاده تهدید: بی نظمی جانمایی- عدم ایمنی	قوت کالبد: ثبت میراث قوت دسترسی: نظارت زمانی تهدید کالبد: فضای مرمت نشده	۱-فرصت کاربری: نظارت بر مکان‌های شاخص و گره‌ها ۲-تهدید دسترسی: بازسازی خیابان‌ها
اجتماعی	قوت: فعالیت در تجاری‌ها - خاطره انگیزی- یکپارچگی و انسجام گروهی- روحیه ورزشی- فعالیت انتخابی- ساعات اوج عملکرد فضایی- خودکفایی- حضور کوهنورد و گردشگر- حضورپذیری- مکان تجمع در گره‌ها- منظر جاذب- مسیری جذاب و متنوع- تنوع زیستی فرصت: همه شمولی- پتانسیل مذهبی گردشگری- کاربران جوان- تفرجگاه‌ها- مرکز محله- ماندگار- اقشار مختلف- قشر متدین- تقاضا محور- مراجعه گروهی- فضای تفریحی- گنبد- منظر خود قرارگاه‌ها ضعف: کمبود فعالیت ۲۴ ساعته - تراکم فعالیت- از بین رفتن نما قدیمی- نبود اتصال حرکت تهدید: نا امنی پیاده- نبود مسیر ناتوانان- بی برنامه‌گی جایابی- موانع پیاده - تداخل حرکت- خودرو شخصی- فضای مرمت نشده	قوت کاربری: تنوع فعالیت ضعف دسترسی: نبود امنیت پیاده ضعف زیست محیطی: کمبود خدمات شهری	۱-قوت کاربری: تنوع فضایی ۲-قوت زیست محیطی: رویداد مذهبی ۳-فرصت کاربری: مراجعه فراشهری
فیزیکی	قوت: چندین ایستگاه حمل و نقل - سهولت دسترسی- جداسازی سبز- آسایش اقلیمی فرصت: حمل و نقل عمومی ضعف: نبود کاربری ۲۴ ساعته - کمبود نورپردازی- آلودگی هوا تهدید: موانع پیاده - تغییر هویت بافت	قوت کالبد: مکان سیاسی اداری فرصت دسترسی: افزایش سفر در زمان کمتر ضعف دسترسی: پاسخگو نبودن حمل و نقل عمومی تهدید کاربری: کمبود عرض پیاده	۱-قوت زیست محیطی: جایگاه تجمع ۲-تهدید منظر: فضاهای ناامن
زیست محیطی	قوت: سرزندگی مذهبی- بنای شاخص- خوانایی- خاطره انگیزی- هوای مطبوع- هوای پاک- درختان فرصت: سایه اندازی- مکانی یکپارچه- تفرجگاه‌ها- تنوع طبیعت- تفکیک زباله- هوای کوهستانی- تغییر فصول ضعف: معبر کم عرض- حجم بالا ترافیک- نبود راه پشتیبان- عدم همه شمولی- موانع در کنار مسیر نابینایان- کف سازی فرسوده- آلودگی صوتی تهدید: کمبود جایگاه نشستن- بافت فرسوده- کالبد مستعد سوانح- دسترسی نامطلوب- ریزدانی یافت- جانمایی اشتباه مبلمان- اینیه بلند مرتبه- خط آسمان نامتوازن- مصالح نما متنوع- آلودگی زیست محیطی- نبود جدول	فرصت کالبد: دید مطلوب به کالبد مسجد(گنبد) فرصت زیست محیطی: وسعت دید در گره‌ها ضعف کاربری: کمبود مبلمان شهری- بی توجهی به معلولین ضعف کالبد: ناهماهنگی نماها ضعف دسترسی: بی توجهی به پیاده ضعف زیست محیطی: بوی نامطبوع تهدید دسترسی: تداخل حرکت- کمبود پارکینگ تهدید زیست محیطی: نبود نظم در مسیر پیاده	۱-قوت کاربری: فضاهای ناامن ۲-قوت کالبد: فضای سبز ۳-قوت زیست محیطی: قرارگاه (فضای درنگ)- لبه سبز ۴-فرصت کاربری: فضاهای جاذب- محور مذهبی-رویدادهای موقت- فضای انعطاف پذیر ۵-فرصت دسترسی: زهکشی آب‌های سطحی ۶-فرصت منظر: عوامل طبیعی- رود دره ۷-تهدید کالبدی: زمین رها شده ۸-تهدید دسترسی: کمبود امنیت

طراح صرف نیست. مهم‌ترین عوامل بیرونی عبارتند از: کاربران هماهنگ، نظارت محدود، پشتیبانی و تسهیل‌گری، جاذبه‌های تاریخی-فرهنگی، تنوع کاربری پیرامون، جریان اطلاعات، تداوم و تکرار رویداد.

-روابط میان شاخص‌ها

در ۸۵ درصد از فضاهای مورد مطالعه، یک «عامل جاذب» اعم از طبیعی (درخت کهنسال، نورگیر، سایه) یا انسان‌ساخت (دکه، اثر هنری، پله‌های وسیع) به‌عنوان هسته‌ی اولیه‌ی تجمع عمل کرده است. برای نمونه، در میدان تجریش، گنبد امامزاده صالح و پله‌های مقابل مجتمع ارگ، و در خیابان شهرداری، دستفروش‌ها و موسیقی‌های خیابانی به‌عنوان عامل جاذب عمل می‌کنند. این عامل جاذب، نخستین «دلیل درنگ» را فراهم آورده و سپس سایر شاخص‌ها (مبلان، امنیت) به‌تدریج و اغلب به‌صورت خودجوش تکمیل شده‌اند.

۹۰ درصد از مکان‌های رویداد، در لبه‌های فضای تردد (نه در مرکز آن) شکل گرفته‌اند. پله‌های ورودی مترو، حاشیه‌ی پیاده‌روهای عریض، لبه‌ی میدان‌ها، و ایستگاه‌های اتوبوس مهم‌ترین نقاط ظهور رویدادهای خودجوش بوده‌اند. در محله تجریش، پله‌های مقابل مجتمع ارگ، لبه‌های پیاده‌روی خیابان شهرداری، و فضای مقابل درب بازار قدیم، نمونه‌های عینی این الگو هستند. این یافته، نظریه‌ی «فضاهای آزاد»^۱ فرانک و استیونز (۲۰۰۶) را تأیید می‌کند که لبه‌ها به دلیل «نظارت گریزناپذیر مرکز» و «آزادی نسبی حاشیه»، بستری مناسب‌تر برای خلاقیت و تصاحب فضایی‌اند.

مطالعات مهتا (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که لبه‌های فضاهای تردد از جمله پله‌ها، سکوها و حاشیه پیاده‌رو به‌طور طبیعی به‌عنوان نقاط درنگ و تعامل عمل می‌کنند. این لبه‌ها به دلیل قرارگیری در مسیر جریان حرکت، بیشترین مواجهه بصری و اجتماعی را ایجاد کرده و زمینه‌ساز شکل‌گیری فعالیت‌های خودجوش هستند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز با این دیدگاه همخوان است و نشان می‌دهد که بخش عمده مکان‌های رویداد در محله تجریش در همین لبه‌ها شکل گرفته‌اند.

تحلیل نمونه‌های موردی، یک توالی چهار مرحله‌ای را نشان می‌دهد که در مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی به‌وضوح مشخص می‌شود:

۱. مرحله‌ی جاذبه: حضور یک عامل جاذب که نخستین درنگ‌ها را ایجاد می‌کند. برای نمونه: «پله‌های مقابل مجتمع ارگ خیلی جای عالی هست. روبروی پله‌ها چند نفر در حال نواختن موسیقی هستن، یک دستفروش و یک نوازنده سنتور همیشه اینجا.»

۲. مرحله‌ی تکرار: تکرار درنگ توسط افراد مختلف و آغاز

شاخص‌های بالای ۱، شاخص‌های ۵/۱-۱ و شاخص‌های کمتر از ۵/۰ می‌باشد. در جدول ۱، ۲۰ شاخص برتر (شاخص‌های بالاتر از ۱) مد نظر قرار گرفت.

۴. یافته‌ها

۲۰ شاخص برتر تبدیل فضای درنگ به مکان رویداد

تحلیل داده‌ها به شناسایی ۱۷۶ نشانه (کد) انجامید که پس از ادغام و طبقه‌بندی، ۲۰ شاخص اصلی استخراج شد. ۲۰ شاخص برتر، بر اساس ماهیت آنها به دو دسته‌ی کلی «عوامل درونی» (ذاتی مکان) و «عوامل بیرونی» (نهادی و مدیریتی) و سپس ۸ گروه اصلی تقسیم شدند. با نظر سنجی از سه خبره علمی-تخصصی و درج درصد موافقت متخصصان برای هر شاخص، از میان ۲۰ شاخص مطرح شده، تعداد ۶ شاخص انتخاب گردید.

-دسته‌بندی شاخص‌ها

تحلیل هم‌نشینی شاخص‌ها نشان داد که آنها در هشت گروه اصلی و دو قلمروی کلان قابل دسته‌بندی هستند:

گروه‌های اصلی:

ویژگی‌های بافتی: شامل موقعیت مکانی، ارتباط با بافت پیرامون، دسترسی، و نزدیکی به جریان‌های حرکت. خصوصیات کاربران: شامل هماهنگی نیازها، تنوع سنی، و الگوهای حضور.

شاخص‌های محیطی: شامل ابعاد فضا، تناسب با فعالیت‌های خرد، و احساس محصوریت. شاخص‌های بستر فضای شهری (کالبدی): شامل مبلان، آسایش اقلیمی، دید و منظر، و انعطاف‌پذیری. ویژگی‌های مدیریتی: شامل میزان کنترل، نوع مداخله، و نقش نهادها.

شاخص زمانی: تکرار رویداد در بازه زمانی مشخص، تداوم تجمع و فعالیت، ریتم شکل‌گیری رویداد. شاخص‌های ارتباطی: اطلاع‌رسانی، بازه محیطی و اطلاعاتی شرکت در رویداد.

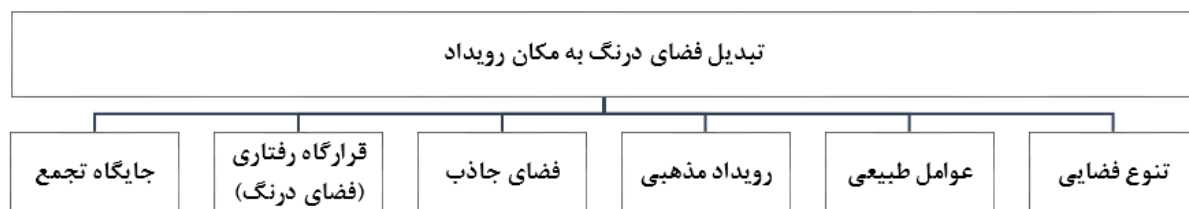
خصوصیات معنایی: ارتباط درونی رویداد، ارتباط رویدادها با یکدیگر، ارتباط رویداد با هویت و فرهنگ.

قلمروهای کلان:

-عوامل درونی (ذاتی مکان): شاخص‌هایی که مستقیماً به ویژگی‌های کالبدی، محیطی و موقعیتی فضا بازمی‌گردند و طراحان می‌توانند آنها را در فرایند طراحی کنترل و تعدیل کنند. مهم‌ترین عوامل درونی عبارتند از: انعطاف‌پذیری، نزدیکی به فضای تردد، عامل جاذب، مقیاس محلی، محصوریت، مبلان، امنیت، آسایش اقلیمی، دید و منظر، سایه و پناه، خاطره‌انگیزی. -عوامل بیرونی (نهادی-اجتماعی): شاخص‌هایی که به زمینه‌های اجتماعی، نهادی و مدیریتی فضا وابسته‌اند و در اختیار

جدول ۲. خروجی نهایی فرایند غربالگری و درصد شاخص‌ها از منظر متخصصین

رتبه	فراوانی شاخص در مصاحبه‌ها	(تعداد)	درصد موافقت متخصصان	دسته‌بندی	گروه
۱	انعطاف‌پذیری فضا	۲۸	۰/۱۰۰	درونی - بافتی	کالبدی
۲	نزدیکی به فضای تردد و حرکت	۲۵	۰/۹۱	درونی - بافتی	بافت و موقعیت
۱	وجود عامل جاذب (انسانی یا محیطی)	۲۴	٪۱۰۰	درونی - بافتی	بافت و موقعیت
۲	مقیاس محلی و انسانی	۲۲	٪۹۱	درونی - بافتی	بافت و موقعیت
۳	کاربران هماهنگ و هم‌نیاز	۲۱	٪۸۳	بیرونی - کاربران	کاربران
۱	نظارت و مدیریت محدود	۲۰	٪۱۰۰	بیرونی - مدیریتی	مدیریتی
۳	پشتیبانی و تسهیل‌گری نهادی	۱۹	٪۸۳	بیرونی - مدیریتی	مدیریتی
۳	جاذبه‌های تاریخی-فرهنگی	۱۸	٪۸۳	بیرونی - بافتی	بافت و موقعیت
۴	محصولیت مناسب	۱۷	٪۷۵	درونی - کالبدی	کالبدی
۱	میلان شهری نشستن	۱۶	٪۱۰۰	درونی - کالبدی	کالبدی
۱	امنیت و ایمنی	۱۶	٪۱۰۰	درونی - محیطی	محیطی
۲	دسترسی آسان	۱۵	٪۹۱	درونی - بافتی	بافت و موقعیت
۴	خاطره‌انگیزی فضا	۱۴	٪۷۵	درونی - معنایی	معنایی
۳	تنوع کاربری پیرامون	۱۴	٪۸۳	بیرونی - بافتی	بافت و موقعیت
۳	آسایش اقلیمی	۱۳	٪۸۳	درونی - کالبدی	محیطی
۴	دید و منظر مناسب	۱۲	٪۷۵	درونی - کالبدی	کالبدی
۵	جریان اطلاعات و خبررسانی	۱۲	٪۶۷	بیرونی - ارتباطی	ارتباطی
۳	سایه و پناه	۱۱	٪۸۳	درونی - کالبدی	محیطی
۴	تداوم و تکرار رویداد	۱۰	٪۷۵	بیرونی - زمانی	زمانی
۵	تنوع سنی کاربران	۹	٪۶۷	بیرونی - کاربران	کاربران



نمودار ۴. شش شاخص نهایی

جدول ۳. ارتباط شاخص‌های اکتشافی و تصمیم‌گیری

شاخص‌های اکتشافی	شاخص‌های تصمیم‌گیری	نوع ارتباط
تنوع فضایی	انعطاف‌پذیری فضا	هر دو به قابلیت تغییر و پذیرش رفتارهای متنوع اشاره دارند؛ تنوع فضایی زیربنای انعطاف‌پذیری است.
عوامل طبیعی	وجود عامل جاذب	عناصر طبیعی (نور، آب، درختان) خود نوعی عامل جاذب محیطی هستند.
رویداد مذهبی	کاربران هماهنگ و هم‌نیاز نظارت و مدیریت محدود	رویداد مذهبی نمونه‌ای از هماهنگی جمعی و نیاز مشترک کاربران است.
فضای جاذب	وجود عامل جاذب	این دو تقریباً هم‌معنا هستند؛ فضای جاذب همان بستر حضور عامل جاذب است.
قرارگاه رفتاری (فضای درنگ)	نزدیکی به فضای تردد و حرکت	قرارگاه رفتاری معمولاً در لبه‌های تردد شکل می‌گیرد؛ بنابراین ارتباط مستقیم دارد.
جایگاه تجمع	مقیاس محلی و انسانی	تجمع در فضاهای با مقیاس انسانی و خوانا اتفاق می‌افتد؛ این دو مکمل‌اند.

همپوشانی معنایی یا رابطه مفهومی با یکدیگر ادغام شدند. در این مرحله، «شاخص‌های اکتشافی» به مفاهیمی اشاره دارند که مستقیماً از تحلیل مصاحبه‌ها، مشاهدات میدانی و اسناد استخراج شده‌اند؛ در حالی که «شاخص‌های تصمیم‌گیری» مفاهیم بالایش‌شده‌ای هستند که قابلیت استفاده در مرحله اولویت‌بندی و مقایسه زوجی را دارند.

جدول ۳ نمونه‌ای از این روابط را نشان می‌دهد. هدف جدول، نشان دادن مسیر تبدیل مفاهیم اولیه به شاخص‌های نهایی و توضیح منطق ادغام یا ارتباط میان آنهاست. این جدول به‌عنوان پل مفهومی میان مرحله اکتشافی پژوهش و مرحله تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گرفته است.

تحلیل وزن شاخص‌های نهایی

بر اساس مقایسه زوجی شاخص‌های اصلی و تحلیل سلسله‌مراتبی در نرم‌افزار Expert Choice، وزن نسبی شش شاخص نهایی محاسبه شد. نتایج نشان داد که «انعطاف‌پذیری فضا» با وزن ۰.۲۳۸ بالاترین وزن نسبی را دارد و پس از آن «نزدیکی به فضای تردد و حرکت» با وزن ۰.۲۰۴ و «وجود عامل جاذب» با وزن ۰.۱۹۸ قرار گرفته‌اند. سه شاخص دیگر شامل «مقیاس محلی و انسانی» با وزن ۰.۱۶۲، «کاربران هماهنگ و هم‌نیاز» با وزن ۰.۱۱۲ و «نظارت و مدیریت محدود» با وزن ۰.۰۸۶ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

این نتایج نشان‌دهنده یک پیوستار اولویت نسبی میان شاخص‌هاست و به‌تنهایی وجود یک مرکز آماری قطعی میان رتبه سوم و چهارم را اثبات نمی‌کند. از این رو، در چارچوب مفهومی پژوهش، سه شاخص نخست بر اساس وزن بالاتر و همخوانی

شکل‌گیری قرارگاه رفتاری ناپایدار. «داخل راسته باغ فردوس همه دور همین تا لحظات خوبی درست کنن بدون دغدغه»

۳. مرحله‌ی تثبیت: ورود کاربران ثابت، افزوده شدن میلمان خودساخته، و تثبیت الگوی رفتاری. در مورد میدان تجریش، مصاحبه‌شوندگان به حضور مستمر کوهنوردان و گردشگران در تمامی ایام سال اشاره کرده‌اند: «حضور متداوم کوهنوردان و گردشگران در تمامی ایام سال و حضورپذیری بالا در میدان تجریش به سبب کاربری‌های گذران اوقات فراغت.»

۴. مرحله‌ی رویداد: تبدیل فضا به «مکان ارجاع» برای گروه‌های هم‌نیاز و بروز رویدادهای برنامه‌ریزی نشده. در مصاحبه‌ای، یک شهروند بیان می‌کند: «توی این زمان‌های خاص که همه می‌دونن یک اتفاق تاریخی شکل می‌گیره... جایی که من و می‌ستم توی چهارشنبه سوری، در میدانچه چون تعداد آشناها بیشتر هستن در لاین اول رویداد و می‌ستم و لذت می‌برم ولی در فضای خالی تعداد آدم‌ها خیلی بیشتره شاید ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر باشن... منم کسی رو اونجا نمی‌شناسم پس در فاصله ۷۰ تا ۱۰۰ متری در دورترین لاین و می‌ستم ولی باز لذت می‌برم...» در این میان، کاربران فضا به‌وضوح بین فعالیت‌های مختلف تمایز قائل می‌شوند: «فکر کنم مثلاً من می‌دونم اگه بخوام کالای پوشاک بگیرم بهتره برم بازار تجریش یا اگه بخوام فعالیت فرهنگی شرکت کنم باید برم باغ فردوس یا اگه نیاز به پیاده‌روی یا یک طبیعت‌گردی دارم باید برم دارآباد یا پارک جنگلی... اره هر جایی یک کاری می‌کنن.»

ارتباط شاخص‌های اکتشافی و تصمیم‌گیری

پس از استخراج شاخص‌های اولیه، برخی مفاهیم به دلیل

آنها با یافته‌های کیفی و روابط شناسایی شده در مرحله اکتشافی، به‌عنوان «ژن‌های بنیادین یا هسته‌ای» تفسیر می‌شوند؛ در حالی که سه شاخص بعدی در نقش «ژن‌های پشتیبان» قرار می‌گیرند. بنابراین، مفهوم بنیادین و پشتیبان در این پژوهش ماهیتی تفسیری-مفهومی دارد و نباید به‌عنوان یک آستانه آماری دوگانه تلقی شود.

نرخ سازگاری محاسبات برابر با $CR = 0.06$ به دست آمد که در چارچوب روش AHP نشان‌دهنده سازگاری قابل قبول قضاوت‌های زوجی خبرگان است.

جدول ۴. وزن دهی شاخص‌ها در نرم افزار Expert Choice

شاخص	وزن نهایی
انعطاف پذیری فضا	۰.۲۳۸
نزدیکی به فضای تردد و حرکت	۰.۲۰۴
وجود عامل جاذب	۰.۱۹۸
مقیاس محلی و انسانی	۰.۱۶۲
کاربران هماهنگ و هم‌نیاز	۰.۱۱۲
نظارت و مدیریت محدود	۰.۰۸۶

۵. بحث: دی.ان.ای مکان رویداد

چارچوب پیشنهادی «دی.ان.ای فضایی مکان رویداد» در این پژوهش، یک چارچوب اکتشافی و زمینه‌مند است که بر اساس داده‌های تجربی حاصل از مطالعه موردی محله تجریش تهران تدوین شده است. این چارچوب، مجموعه‌ای از شاخص‌های فضایی، اجتماعی و مدیریتی و روابط میان آنها را برای توضیح فرایند تبدیل فضای درنگ به مکان رویداد سازمان‌دهی می‌کند. بنابراین، یافته‌های حاضر را نمی‌توان بدون آزمون تجربی در زمینه‌های دیگر، به‌صورت مستقیم به تمامی فضاهای شهری یا زمینه‌های فرهنگی و جغرافیایی تعمیم داد. اعتبار بین‌زمینه‌ای این چارچوب نیازمند آزمون آن در مطالعات تطبیقی و نمونه‌های موردی متفاوت است.

- سه ژن بنیادین

تحلیل شاخص‌ها نشان می‌دهد که سه شاخص، نقش حیاتی‌تری در آغاز فرایند مکان‌شدگی دارند و فقدان آنها به‌ندرت با حضور سایر شاخص‌ها جبران می‌شود:

ژن ۱: انعطاف‌پذیری، ظرفیت فضا برای تغییر کاربری، تصاحب موقت، و تطبیق با فعالیت‌های پیش‌بینی نشده. انعطاف‌پذیری اغلب حاصل «طراحی منعطف» است؛ فضاهایی که عملکرد واحد و منحصری ندارند و امکان تفسیرهای متفاوت را می‌دهند. در محله تجریش، فضاهای خالی روبروی امامزاده صالح (که در ایام خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد) و جایگاه دستفروش‌ها در خیابان شهرداری، مصادیق این

انعطاف‌پذیری هستند.

لینچ (۱۹۸۱) انعطاف‌پذیری را یکی از ویژگی‌های بنیادین فضاهای شهری می‌داند که امکان سازگاری رفتارهای متنوع را فراهم می‌کند. از دید او، فضاهای موفق آن‌هایی هستند که می‌توانند در برابر تغییرات رفتاری، زمانی و کارکردی واکنش نشان دهند و ظرفیت پذیرش فعالیت‌های پیش‌بینی نشده را داشته باشند. این مفهوم دقیقاً با نقش «انعطاف‌پذیری فضا» در دی.ان.ای مکان رویداد همسو است.

ژن ۲: نزدیکی به جریان حرکت قرارگیری در مجاورت مسیرهای اصلی عبور، اما نه در میانه‌ی آنها. این موقعیت مرزی، هم «دیده‌شدگی» را تضمین می‌کند و هم «خلوت نسبی» را برای درنگ فراهم می‌آورد. میدان تجریش با قرارگیری در تقاطع مسیرهای اصلی و دسترسی‌های حمل‌ونقل عمومی، و در عین حال داشتن لبه‌های آرام‌تر برای نشستن، نمونه‌ی بارز این ویژگی است. همچنین «وجود مسیری جذاب و متنوع در خیابان شهرداری به سبب حضور دستفروش‌ها و کالاهای متنوع» و «نزدیکی به فضای تردد و حرکت» از عوامل کلیدی شناسایی شده در بازبدهای میدانی بوده است.

ژن ۳: عامل جاذب نقطه‌ای کانونی که چشم را می‌رباید و بدن را به توقف دعوت می‌کند. این عامل می‌تواند «طبیعی» (درخت، آب، نور)، «اجتماعی» (فعالیت جمعی، موسیقی خیابانی، دستفروشی)، یا «کالبدی» (پله، سکو، اثر هنری، گنبد امامزاده) باشد. در محله تجریش، گنبد امامزاده صالح، پله‌های مجتمع ارگ، و موسیقی‌های خیابانی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل جاذب عمل می‌کنند.

- ژن‌های پشتیبان

سایر شاخص‌ها نقش «تثبیت‌کننده» و «تسریع‌کننده» دارند. مبلمان شهری (ژن ۴) و امنیت (ژن ۵) مهم‌ترین ژن‌های پشتیبانند که در نمونه‌های موفق، بلافاصله پس از شکل‌گیری درنگ اولیه، به‌صورت خودجوش یا نهادی به فضا افزوده شده‌اند. در میدان تجریش، وجود پله‌های وسیع برای نشستن، نیمکت‌ها، و حضور دکه پلیس به‌عنوان نماد امنیت، از عوامل پشتیبان کلیدی هستند.

- ژن‌های محیطی

آسایش اقلیمی، سایه، دید و منظر و محصوریت مناسب، ژن‌هایی هستند که عمدتاً به موقعیت جغرافیایی و اقلیم وابسته‌اند، اما در هر زمینه‌ای که حضور داشته باشند، ماندگاری کاربران را به‌شدت افزایش می‌دهند. در محله تجریش، وجود هوای کوهستانی و خنک، درختان کهنسال ۱۰۰ ساله، و عبور رودخانه مقصودبیک از میدان تجریش که سبب مطبوع‌سازی هوا و کم‌شدن آلودگی شده، از عوامل محیطی مؤثر بر جذب ماندگاری کاربران هستند.

- تمایز عوامل درونی و بیرونی

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، تمایز نظام‌مند

پیشنهادهای

بر اساس نتایج وزن‌دهی شاخص‌ها، پیشنهادهای عملیاتی پژوهش به‌صورت مستقیم به شش شاخص نهایی مرتبط می‌شوند:

۱. انعطاف‌پذیری فضا: در طراحی و بازطراحی فضاهای عمومی، از فضاهای تک‌عملکردی پرهیز و فضاهایی با قابلیت تغییرپذیری، تصرف موقت و پذیرش فعالیت‌های متنوع پیش‌بینی شود.
۲. نزدیکی به فضای تردد و حرکت: نقاط درنگ در مجاورت جریان‌های اصلی حرکت، به‌ویژه در لبه پیاده‌روها، پله‌ها، سکوها و گرهِای حرکتی، تقویت شوند؛ به‌گونه‌ای که هم دیده‌شدگی مناسب و هم امکان توقف ایمن فراهم باشد.
۳. وجود عامل جاذب: عناصر طبیعی، اجتماعی یا کالبدی جاذب، مانند پوشش گیاهی، آب، فعالیت‌های اجتماعی، دستفروشی‌های سازگار با فضا و عناصر شاخص، در مکان‌یابی و طراحی نقاط درنگ مورد توجه قرار گیرند.
۴. مقیاس محلی و انسانی: ابعاد و سازمان فضایی نقاط درنگ متناسب با مقیاس و ادراک انسانی تنظیم شود و از ایجاد فضاهای بیش از حد وسیع و فاقد خوانایی برای فعالیت‌های خرد اجتماعی اجتناب شود.
۵. کاربران هماهنگ و هم‌نیاز: ظرفیت حضور گروه‌هایی با علایق یا نیازهای مشترک در فضا تقویت شود و امکان شکل‌گیری اجتماعات کوچک و خودجوش فراهم گردد.

۶. نظارت و مدیریت محدود: مدیریت فضا از رویکرد صرفاً کنترلی فاصله گرفته و به سمت نظارت حداقلی، تأمین ایمنی و تسهیل فعالیت‌های خودجوش حرکت کند؛ به‌گونه‌ای که امنیت فضا تأمین شود، بدون آنکه امکان تصرف و استفاده انعطاف‌پذیر از فضا کاهش یابد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از همکاری خبرگان شهری، مدیران منطقه یک شهرداری تهران، و اعضای نشست تخصصی ایمنی بازار تجریش در فرایند گردآوری داده‌ها سپاسگزاری می‌کنند.

تأییدیه‌های اخلاقی

این پژوهش مطابق اصول اخلاقی پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده و تمامی مشارکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه در مصاحبه‌ها شرکت کرده‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافع در تهیه و انتشار این مقاله وجود ندارد.

References

1. Pakzad, J. (2005). Mabani-ye nazari va farayand-e tarahi-ye shahri [Theoretical foundations and process of urban design]. Shahidi Publications.

میان «آنچه طراح می‌تواند کنترل کند» و «آنچه در حیطه‌ی اختیارات و توانایی‌های طراح نیست» است. عوامل درونی (انعطاف‌پذیری، مبلمان، دید، آسایش، مقیاس و غیره) مستقیماً در حیطه‌ی مسئولیت طراحان و برنامه‌ریزان شهری است. اما عوامل بیرونی (کاربران هماهنگ، نظارت محدود، پشتیبانی نهادی، جریان اطلاعات و غیره) نیازمند هماهنگی میان بخشی و بازتعریف نقش نهادهای مدیریت شهری است. طراحان می‌توانند عوامل درونی را فراهم کنند، اما شکوفایی آنها منوط به وجود عوامل بیرونی مساعد است. در محله تجریش، عوامل بیرونی نظیر «وجود سفارتخانه‌های متعدد»، «وجود کاربری‌های جدید به عنوان عنصر شاخص»، و «حضور مستمر مراجع نظارتی در گرهِای اصلی» همگی از عواملی هستند که در کنار عوامل درونی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری رویدادها فراهم آورده‌اند.

الکساندر (۱۹۷۷) در الگوهای طراحی خود تأکید می‌کند که فضاهای شهری زمانی واجد کیفیت انسانی می‌شوند که مقیاس آنها با ادراک و رفتار انسان سازگار باشد. فضاهای کوچک، قابل لمس و خوانا، بیشترین ظرفیت را برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های خودجوش دارند. این دیدگاه، نقش «مقیاس محلی و انسانی» را در شکل‌گیری مکان رویداد تقویت می‌کند.

- مقایسه با یافته‌های پیشین

یافته‌های این پژوهش، مشاهدات کلاسیک وایت (۱۹۸۰) در مورد اهمیت «نشستن»، «خورشید»، «آب» و «غذا» را تأیید می‌کند، اما آنها را در چارچوبی پویاتر و فرایندی قرار می‌دهد. همچنین، یافته‌ی «نظارت محدود» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بیرونی، با نظریه‌ی «فضاهای آزاد» فرانک و استیونز (۲۰۰۶) هم‌خوانی کامل دارد. علاوه بر این، مفهوم «فضای نیمه‌ایستا و نیمه‌پویا» که زند (۲۰۱۲) به آن اشاره کرد، در یافته‌های این پژوهش مبنی بر اهمیت «لبه‌های فضای تردد» به‌عنوان محل شکل‌گیری رویدادها، تأیید تجربی می‌یابد. آنچه این پژوهش می‌افزاید، اولویت‌بندی کمی این شاخص‌ها و تشخیص الگوی توالی آنها در فرایند مکان‌شدگی است.

۶. نتیجه‌گیری و پیامدهای عملیاتی

این پژوهش با تحلیل نظام‌مند ۱۷۶ شاخص کمی و کیفی و اولویت‌بندی ۲۰ شاخص برتر، به درکی عمیق‌تر از «چگونگی تبدیل فضای عبوری به مکان رویداد» دست یافته است. مهم‌ترین دستاورد نظری پژوهش، ارائه‌ی چارچوب دی.ان.ای فضایی است که معماری پنهان فضاهای رویدادپذیر را آشکار می‌سازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سه ژن بنیادین «انعطاف‌پذیری»، «نزدیکی به جریان حرکت» و «عامل جاذب» به‌عنوان هسته‌ی مرکزی فرایند مکان‌شدگی عمل می‌کنند و فقدان هر یک از آنها با سایر شاخص‌ها جبران نمی‌شود.

- to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research* 1277-1288. (9)15. (2005) ..
15. Lynch, K. A Theory of Good City Form. MIT Press. (1981).
 16. Mehta, V. The Street: A Quintessential Social Public Space. Routledge. (2014).
 17. Richards, G., & Palmer, R. Eventful Cities: Cultural Management and Urban Revitalisation. London: Routledge. (2012).
 18. Sennett, R. Building and Dwelling: Ethics for the City. London: Allen Lane. (2018).
 19. Stevens, Q. The Ludic City: Exploring the Potential of Public Spaces. London: Routledge. (2007).
 20. Whyte, W. H. The Social Life of Small Urban Spaces. Washington, DC: The Conservation Foundation. (1980).
 21. Zucker, P. Town and Square: From the Agora to the Village Green. New York: Columbia University Press. (1962).

پرسشنامه

پرسشنامه حاضر با هدف اولویت‌بندی شاخص‌های کلیدی مؤثر بر تبدیل «فضای درنگ» به «مکان رویداد» در فضاهای عمومی محله تجریش تهیه شده است. این پرسشنامه بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) طراحی شده و از خبرگان محترم درخواست می‌شود که اهمیت هر شاخص را به صورت مقایسه زوجی ارزیابی کنند.

در هر سؤال، دو شاخص در برابر یکدیگر قرار داده شده‌اند. لطفاً مشخص کنید کدام شاخص از نظر شما اهمیت بیشتری دارد و شدت این برتری چقدر است.

در هر مقایسه، عددی بین ۱ تا ۹ انتخاب کنید:

عدد	معنا
۱	اهمیت برابر
۳	اهمیت کمی بیشتر
۵	اهمیت زیاد
۷	اهمیت خیلی زیاد
۹	اهمیت بسیار زیاد
۲، ۴، ۶، ۸	مقادیر بینابینی

- (Original work published 1384/2005) [In Persian].
2. Pourjafar, M. R., & Mahmoudinezhad, H. (2010). Tarahi-ye shahri va sarmaye-ye ejtemaei dar fazaye shahri [Urban design and social capital in urban space]. Helleh/Tahan. (Original work published 1389/2010) [In Persian].
 3. Tavasoli, M., & Bonyadi, N. (1992). Tarahi-ye fazaye shahri [Urban space design]. Center for Urban Planning and Architecture Studies and Research Publications. (Original work published 1371/1992) [In Persian].
 4. Krier, R. (2004). Fazahaye shahri [Urban spaces] (M. Tavasoli & N. Bonyadi, Trans.). University of Tehran Press. (Original work published 1975; Persian translation 1383/2004).
 5. Gol, Y. (2017). Shahr-e ensani [The human city] (S. A., Trans.). Tahan Publications. (Original work published 1396/2017) [In Persian].
 6. Madanipour, A. (2005). Tarahi-ye fazaye shahri: Negahi be farayand-e ejtemaei-makani [Urban space design: A view of the socio-spatial process] (F. Mortezaei, Trans.). Pardazesh Publications. (Original work published 1384/2005) [In Persian]. Alexander, C. A Pattern Language. Oxford University Press. (1977).
 7. Augé, M. Non-Places: Introduction to an Anthropology of Super modernity. London: Verso. (2008).
 8. Barker, R. G. Ecological Psychology: Concepts and Methods for Studying the Environment of Human Behavior. Stanford, CA: Stanford University Press. (1968).
 9. Carmona, M. Public Places Urban Spaces. Routledge. (2019).
 10. Dovey, K. Urban Design Thinking: A Conceptual Toolkit. London: Bloomsbury. (2016).
 11. Franck, K. A., & Stevens, Q. (Eds.). Loose Space: Possibility and Diversity in Urban Life. London: Routledge. (2006).
 12. Gehl, J. Life Between Buildings: Using Public Space. Washington, DC: Island Press. (2011).
 13. Getz, D. Event Studies. Routledge. (2012).
 14. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. Three approaches

۲. نزدیکی به فضای تردد و حرکت در برابر مقیاس محلی و انسانی
۳. نزدیکی به فضای تردد و حرکت در برابر کاربران هماهنگ و هم نیاز
۴. نزدیکی به فضای تردد و حرکت در برابر نظارت و مدیریت محدود
- ۳) مقایسه‌های مربوط به «وجود عامل جاذب»
 ۱. وجود عامل جاذب در برابر مقیاس محلی و انسانی
 ۲. وجود عامل جاذب در برابر کاربران هماهنگ و هم نیاز
 ۳. وجود عامل جاذب در برابر نظارت و مدیریت محدود
 - ۴) مقایسه‌های مربوط به «مقیاس محلی و انسانی»
 ۱. مقیاس محلی و انسانی در برابر کاربران هماهنگ و هم نیاز
 ۲. مقیاس محلی و انسانی در برابر نظارت و مدیریت محدود
 - ۵) مقایسه مربوط به «کاربران هماهنگ و هم نیاز»
 ۱. کاربران هماهنگ و هم نیاز در برابر نظارت و مدیریت محدود

- در هر سؤال، دو شاخص ارائه شده‌اند. شما باید:
۱. شاخص مهم‌تر را انتخاب کنید. ۲. شدت برتری آن را با یکی از اعداد ۱ تا ۹ مشخص کنید
- (مثال: اگر فکر می‌کنید «انعطاف‌پذیری فضا» نسبت به «نزدیکی به فضای تردد» اهمیت بیشتری دارد، عددی بین ۳ تا ۹ را انتخاب کنید.)
- ۱) مقایسه‌های مربوط به «انعطاف‌پذیری فضا»
 ۱. انعطاف‌پذیری فضا در برابر نزدیکی به فضای تردد و حرکت
 ۲. انعطاف‌پذیری فضا در برابر وجود عامل جاذب
 ۳. انعطاف‌پذیری فضا در برابر مقیاس محلی و انسانی
 ۴. انعطاف‌پذیری فضا در برابر کاربران هماهنگ و هم نیاز
 ۵. انعطاف‌پذیری فضا در برابر نظارت و مدیریت محدود
 - ۲) مقایسه‌های مربوط به «نزدیکی به فضای تردد و حرکت»
 ۱. نزدیکی به فضای تردد و حرکت در برابر وجود عامل جاذب